

# احادیث تاریخ گزینده حمدالله مستوفی و مناسبت بیان آن ها

نگارش دکتر علی ذاکری<sup>۱</sup>

مدیر گروه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد واحد تاکستان.

## چکیده

استناد مورخان و نویسندگان به آیات قرآنی و احادیث نبوی یا علوی سبک ادبی و شیوه ی رایج و اجتناب ناپذیر برای شرح و توضیح بسیاری از حوادث تاریخی درباره ی اقوام و امم پیشین، یا عرب جاهلی و صدر اسلام بوده است حمداله مستوفی نیز در تاریخ گزیده همین شیوه را پیش گرفته و آن را به زیور آیات قرآن و احادیث آراسته و استحکام بخشیده و مطالبش را مستند ساخته است. در این مقاله روایات مورد اشاره و استناد حمداله در تاریخ گزیده استخراج شده و مأخذ یا مأخذ هر یک از این احادیث با مراجعه به مهمترین تفاسیر و مجامع حدیثی ذکر شده است.

**کلید واژه ها:** حدیث، پیامبر اسلام (ص)، تاریخ گزیده، سبک، تاریخ نگاری.

---

۱ - نشانی کامل نویسنده: تهران، مینی سیتی، شهرک محلاتی، خیابان ایثار، ایثار ۹، پلاک ۱۷

تلفن: ۲۲۴۴۱۶۶۷ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۸۰۴۵۲۷۳

پست الکترونیک: dr.zavarian@gmail.com

محل کار: بزرگراه خلیج فارس، نرسیده به پل حرم امام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری، مجتمع یادگار امام

سمت: مربی

## مقدمه (طرح مسأله):

یکی از خصائص سبکی و ادبی بارز آثار مشتمل به تاریخ عمومی اسلام یا تواریخ محلی سرزمین های اسلامی، استناد نویسندگان این آثار به آیات قرآنی و احادیث و روایات نبوی یا امامان (ع) شیعه است. در تواریخ عمومی اسلام، ذکر حیات سیاسی و دینی پیامبر (ص) و تبیین بسیاری از اقدامات و شیوه های اداره ی جامعه ی نوبنیاد اسلامی و تحولاتی که در جریان دعوت و استقرار دین نو پدید می آمد، بی گفتگو مستلزم اشاره و استناد به آیات قرآن و اقوال و افعال نبی اکرم (ص) است که در سنت اسلامی از آن به «حدیث» تعبیر می شود. در حقیقت، قرآن و حدیث و تفاسیر آن ها از مهمترین منابع، برای اطلاع از سرنوشت اقوام و امم سالفه، درک افکار و عادات و آداب عرب جاهلی، اسباب و علل دشمنی با پیامبر (ص)، انگیزه های هجرت، ابلاغ یا وضع قوانین و احکام و بسیاری از دیگر تحولات مادی و معنوی، حتماً پس از رحلت نبی اکرم (ص)، به روزگار فتوحات اسلامی و جنگ های داخلی و بنیاد نظام خلافت به شمار می رود. از سوی دیگر اقوال و افعال پیامبر (ص) در سیاست و اداره ی جامعه، برای مورخانی که فایده تاریخ را در عبرت آموزی و اتخاذ روش های منطبق با سنت پیامبر در امور ملکداری و سیاست می دانستند، از اهمیت خاص برخوردار بود و به همین سبب به ندرت کتابی در تاریخ اسلام - اعم از عمومی و دودمانی، محلی و غیره - وجود دارد که تهی از این روایات باشد. بخصوص برحسب سنتی که تاریخ پیدایی آن را به درستی نمی دانیم، نویسندگان تواریخ محلی نیز می کوشیدند روایاتی درباره فضایل و مناقب شهر یا ولایت موضوع کتاب خود بیابند و درج کنند. بسیاری از اینگونه آثار مشحون است از روایاتی از پیامبر اکرم درباره فضایل آن شهر و ولایت. رواج این شیوه از آنجا پیداست که حتماً حمداله مستوفی در تاریخ گزیده که از تواریخ عمومی به شمار می رود، به سائقه علاقه به مسقط الراس خود - قزوین - روایاتی در



بعد از قتل رشیدالدین فضل الله (۷۱۸) در شمار ملازمان خواجه غیاث الدین محمد درآمده و پس از قتل خواجه غیاث الدین (۷۳۶) از زندگی وی اطلاع کافی در دست نیست (صفا، تاریخ ادبیات، جلد ۳، ص ۱۲۷۷) بیشتر مورخان و تذکره نویسان در گذشت او را ۷۵۰ قمری دانسته اند (نوایی، مقدمه تاریخ گزیده، ص ی)

نخستین اثر معتبر حمدالله مستوفی تاریخ گزیده است که در سال ۷۳۰ به نام خواجه غیاث الدین محمد به پایان رساند (دبیر سیاقی، مقدمه نزهه القلوب، ۲۰، فروزانفر، تاریخ ادبیات، ص ۴۳۶). تاریخ گزیده یکی از استثناء ترین تواریخ عمومی محسوب می شود که ضمن آن، تاریخ عرب و دنیای اسلام و ایران در آن نگاشته شده است. این کتاب خلاصه ای از تاریخ عمومی عالم است که از بدو خلقت تا وزارت خواجه غیاث الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل الله را در برمی گیرد.

تاریخ گزیده همپراز چند کتاب ارزنده تاریخی دوره ی استیلای مغول بر ایران است. کتاب هایی مانند تاریخ جهانگشا اثر عظاملک جوینی، جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله و تاریخ و صاف الحضرة.

مستوفی برای جمع آوری تاریخ خود از ۳۲ کتاب استفاده کرده است. (مستوفی نزهه القلوب، ص ۲۱).

کتاب او خلاصه ای از جامع التواریخ است که ظاهراً نام تاریخ گزیده حکایت از آن دارد (زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۶، دشتی، حسن، دائرة المعارف جامع اسلام ذیل حرف ح).

حمدالله مستوفی در این کتاب برای اثبات مطالب از آیات و احادیث و روایات فارسی و عربی بسیار استفاده کرده است. سبک نویسندگی و ادبی او پیرو سبک خواجه رشیدالدین فضل الله مرشد و مربی اوست و آغازی در ایجاد نثر ساده است که برخلاف نثر مصنوع دوره ی او بود. کتاب تاریخ گزیده در یک فاتحه، ۶ باب، ۳۸

فصل و خاتمه مرتب شده است. (مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۹) همانطور که ذکر شد فصل چهارم برگزیده و خلاصه ای است از جامع التواریخ رشیدی به همراه اطلاعاتی که حمدالله از کتاب های مورخین نقل نموده است و دو فصل آخر آن مهمترین قسمت های کتاب است. یک فصل در تاریخ ائمه علماء، فضلا و سخنوران ایران و عرب و دیگری مربوط به تاریخ، جغرافیا و بزرگان شهر قزوین موطن این مولف نامی است که با کوشش و تلاش بی نظیری به کتاب افزوده شده است.

تاریخ گزیده ۱۷۰ هزار کلمه و نسخه ای بی نهایت مفید است و برای قسمت تاریخ عصر خود در بالاترین درجه ی اهمیت می باشد (براون، از سعدی تا جامی، ص ۱۲۷). نثر کتاب بسیار ساده، شیوا، موجز در کلام و زبان می باشد (صفا، تاریخ ادبیات، ص ۲۷). دومین اثر منشور حمدالله مستوفی نزهة القلوب است در جغرافیا، هیأت و عجائب عالم که مشتمل است بر یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه که پس از تاریخ گزیده و ظفرنامه به سن شصت سالگی تألیف شده و در شمار چند کتاب نادر گران بهایی است که درباره ی جغرافیا به زبان شیرین فارسی نوشته شده است و در میان آن چند کتاب انگشت شمار، نیز مزیت جامعیت و تفصیل و بسط و شرح دارد. (براون، از سعدی تا جامی، ص ۱۲۸).

حمدالله مستوفی در نزهة القلوب می نویسد: بعضی از یارانش درخواست کرده اند که چون در زبان فارسی کتابی در علم به احوال بقاع و اماکن تالیف نشده است و غالباً این گونه کتب به زبان عربی است او کتابی به زبان فارسی تالیف کند. (مستوفی، نزهة القلوب، ص ۳۰).

نزهة القلوب علاوه بر اطلاعات دقیق جغرافیایی حاوی نکات تاریخی و دقایق ادبی و ضوابط دیوانی و عواید مالیاتی ایران زمان مولف و پیش از آن نیز هست. (دبیر سیاقی، مقدمه، ص ۲۳).

نزهه القلوب مشتمل بر یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه می باشد و مستوفی در بخشی از این کتاب بیشتر تحت تأثیر روش زکریای قزوینی در عجایب المخلوقات قرار گرفته است. نثر حمدالله در این کتاب هم، ساده و بی پیرایه است (صفا، تاریخ ادبیات، ج ۳، بخش اول، ص ۲۸۱).

نزهة القلوب حاوی سه فصل است: اول در باب کانی ها، نباتات و قلمرو جانوران. دوم به انسال پرداخته است و بخش هایی در خور ان، به لحاظ شناخت اقلیم تاریخی. سوم با شیوه معمول و متعارف، اثار جغرافیایی پدید آورده است و در آغاز، شهرهای مقدس همچون مکه، مدینه، حرمین شریفین و بیت المقدس را وصف کرده است. و سپس به ایران و ممالک بیگانه پرداخته است. (صفا تاریخ، ادبیات جلد ۳ بخش ۲، ص ۱۲۷۸).

سومین اثر حمدالله مستوفی منظومه ظفرنامه است که به لحاظ آغاز تألیف (در حدود ۷۲۰) نخستین اثر و پایان گرفتن آن (۷۳۵) دومین کتاب به شمار می رود. کتاب در ۴۰ سالگی آغاز گردیده و ۱۵ سال به طول انجامیده است. (مدائنی، مقدمه ظفرنامه، ص ۱۶). ظفرنامه در ۷۵۰۰۰ بیت به بحر متقارب و نخستین بیت آن چنین است:

به نام خدایی که هست و یکی است - جز او در دو گیتی خداوند نیست (صفا، حماسه سرایی در ایران، ص ۳۵۵).

این کتاب که از زندگانی پیغمبر اسلام شروع و تا سال ۷۳۶ ختم می شود به سه قسمت تقسیم شده است؛ نخست در تاریخ عرب، شامل ۲۵ هزار بیت به نام قسم اسلامی و دیگر تاریخ عجم در ۲۰ هزار بیت موسوم به قسم احکام و سومین در تاریخ مغول ۳۰ هزار بیت به نام قسم سلطانی می باشد. (مستوفی، نزهه القلوب، ص ۲۱).

حمدالله مستوفی در مقدمه منظومه ظفرنامه انگیزه خود را از سرودن این اشعار، علاقه و پیروی از شاهنامه ذکر کرده است و از آنجایی که بیش از ۶ سال از عمر

خود را صرف تصحیح انتقادی شاهنامه کرده است، طبیعی است که بیشترین تأثیر را از افکار و اندیشه‌ها و سبک فردوسی داشته است؛ به همین سبب حامل بیشترین تعداد واژگان فردوسی از ترکیب و تعبیر و کاربردهای کنایی و استعاری است و این نشانه‌ی استغراق و تأثیرپذیری بسیار ژرف صاحب ظفرنامه در شعر فردوسی است. و همچنین فردوسی و مستوفی در آثار خود هر دو به یکسان در رعایت جانب عفت کلام به سختی پایبندی دارند. (مدائنی، مقدمه ظفرنامه، ص ۸۵)

حمدالله مستوفی گرچه شافعی مذهب است به اهل بیت و پیغمبر به ویژه امام علی و امام حسین علاقه‌ی خاصی دارد و بارها تکریم آنان را بیان می‌دارد.

از دولت محبت اولاد مصطفی شک نیستم که اسعد ابنای آدمم  
گر دوستدار حیدر کرار را فضی است من رافضی‌ترین همه‌ی اهل عالمم  
(مستوفی، ظفرنامه، ص ۱۲).

و نیز در تاریخ گزیده فصل سوم از باب سوم را به شرح حال ائمه تا وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اختصاص داده و حضرت حسین را امام شیعه نامیده است (ص ۲۰۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

"احادیث"

۱- ۷- حب الوطن من الایمان (ابن رجب حنبلی ۳۸۰/۱)

مؤلف در چگونگی خلقت بشر می‌گوید: «چنان اقتضا کرد (خداوند) که نور معنوی و روح انسانی بر صورت عالم جسمانی تابان گردد و این سر بر جمیع کائنات به پرتو وجود چون خورشید خود روشن گرداند آن را از دوره انسیت در عرصه بشریت به ظهور رسانیده، و قوه آفرینش به فعل اتصال روح و جسم و... تمام گردانید. مفارقت مرغ روح از آشیانه انسیت موافق طبیعت او نبود، حب وطن مالوفه بر او غالب





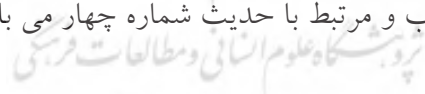
از آنان سربانی بودند: آدم و شیث و شعیب و پیامبر تو. موسی اولین و عیسی آخرین پیامبر بنی اسرائیل است. گفتم پروردگار چند کتاب نازل فرمود؟ گفت: صد صحیفه و چهار کتاب. بر شیث و پنجاه صحیفه و بر اخنوخ سی صحیفه و ابراهیم ده صحیفه و بر موسی تورات در ده صحیفه پروردگار همچنین تورات و زبور و انجیل و قرآن را نازل کرد. و در روایتی آمده شش پیامبر الوالعزم مبعوث شدند: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص).»

۴-ص ۱۸- علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل (مجلسی باب صفة العلماء)

مؤلف معتقد است که پیغمبران مرسل ۷۳ نفرند که مناسبت دارد با حدیث مذکور

۵- ص ۱۸- سترفق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة الناجیه منهم واحد و ما انا علیه و اصحابی (المنذری ۴۴/۱۰)

ملت محمدی به حکم حدیث بالا هفتاد و سه فرقه اند که فرموده یکی از ایشان رستگارتر است که مناسب و مرتبط با حدیث شماره چهار می باشد.



۶- خمريت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً (مناوی/۲۹۷)

راجع به آفرینش انسان از خاک و پیوستن روح به آن بعد از چهل روز می باشد، مؤلف می گوید:

دوست چهل بامداد در گل ما داشت دست  
ما چو گل از دست دوست دست بدست آمدیم

۷- ص ۱۲۳- مزق الله ملکه کما مزق کتابی (مجلسی ۳۸۱/۲۰؛ ابن شهر آشوب ۷۹/۱)

هنگامی که خسرو پرویز نامه پیغمبر (ص) را پاره کرد و خبر به رسول رسید این سخن بر زبان مبارکش جاری شد

۸- ص ۱۲۸- کنت کنزاً مخفياً فا حببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف (مجلسی ۱۹۸/۸۴)

حدیث قدسی است در مورد تقدم حضرت احدیت بر آفرینش انسان. مولانا جلال الدین می فرماید:

گنج مخفی بدز پری چاک کرد خاک را تا بان تراز افلاک کرد  
(احادیث مثنوی، ص ۲۸)

۹- ص ۱۲۸- اول ما خلق الله نوری (مجلسی ۷۹/۱؛ عوالی الآلی ۹۹/۴)

حدیث نبوی است که فرمود: خداوند بهترین مخلوقات و خلاصه کاینات و زبده موجودات یعنی نور خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه بیافرید. این حدیث در ربار نبوی حاکی از آن است.

۱۰- ص ۱۲۸- لولاک لَمَا خلقت الافلاک (ابن شیرویه دیلمی ۲۲۷/۵؛ خلال ۲۳۷)

ای رسول اکرم آفرینش جهان به مناسبت وجود گرامی تو است، اگر به خاطر تو نبود جهان به حیطه وجود نمی آمد به قول مولف.

۱۱- ص ۱۲۱- کنت نبياً و آدم بین الماء و الطین. (نجم رازی ۱۳۷).

در علو مرتبت و شرف مزیت و مقدم و پیشوای همه آفرینندگان این حدیث را فرموده است.

۱۲- ص ۱۳۱- نحن الاخرون السابقون (مسلم نیشابوری ۲/۵/۸۵؛ بخاری ۱/۹۴).

این حدیث نیز در معنی همان حدیث سابق است.

۱۳- ص ۱۳۲- لاتجاوز معدین عدنان کذب النسابون فیما (سیوطی ۱۰۰؛ مناوی ۵/۱۰۹)

حضرت سلسله نسب خود را تا عدنان بیان کرده اند.

۱۴- ص ۱۳۵- الرویا الصالحه جزو من سته اربعین جزواً من النبوه (قرطبی ۹/۱۲۲؛ مسلم نیشابوری ۴/۱۷۷۳)

ینی بیست و سه سال رسالت پیغمبر چهل و شش ماه است و شش ماه خواب جزوی از چهل و شش جزو می باشد. حضرت از ربیع الاول چهل سالگی تا ۶ ماه قبل از وحی خواب های صادق می دیدند.

۱۵- ص ۱۳۷- اللهم سلط علیه کلباً من کلابک (بیهقی ۵/۳۱)

چون عتبه، رقیه دختر پیغمبر را قبل از ازدواج طلاق داد پیغمبر درباره او سخن بالا را فرمود.

۱۶- ص ۱۳۷- الحمدلله المحمود بنعمته، المعبود بقدرته، المطاع بسلطانته، المرهوب من عذابه و سطواته النافذ امره، فی ارضه و سمائه الذی خلق الخلق بقدرته و میزهم باحكامه و اعزهم بدینه و اكرهم بنسبه محمد.

قسمتی از خطبه عقد امام علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) است و حضرت رسول با تبسم به علی (ع) فرود خدای تعالی مرا فرمود فاطمه را با تو نکاح کنم به چهارصد نفره تو بدین راضی هستی؟ علی گفت بلی یا رسول الله.

۱۷- ص ۱۴۵- ارم فداک ابی و امی (بخاری ۲۲۸۷/۵)

در جنگ احد که دندان مبارک مصطفی (ص) و ابرویش مجروح گشت، امیرالمومنین علی (ع) و سعد و قاص پامردی ها کردند. پیغمبر تیر جمع می کرد و به سعد و قاص می داد و این حدیث می فرمود.

۱۸- ص ۱۴۵- هذا خالی فلیات کل رجل بخاله (نجاری ۲۲۸۷/۵)

کاملاً مرتبط است یا رویکرد حدیث ۱۷ که پس از آن حدیث را فرموده اند.

۱۹- ص ۱۴۵- لافتی الاعلی لاسیف الا ذوالفقار (زرقالی ۳۲۶/۴؛ ابن حجر

۱۹۶/۱۰)

حدیث معروفی است که حضرت رسول در حین جانفشانی و رشادت حضرت علی در جنگ احد بیان نموده اند.

۲۰- ص ۱۵۳- فسنتصر بصعالیک الامه (سیوطی ۳۱۴/۱)

در واقعه حنین که جنگ سختی بود و عباس عموی پیغمبر بر بسیاری لشکر



۲۵- ص ۲۲۳- اهجهم و روح القدس معک (حاکم نیشابوری ۶۹/۱۱؛ ابن حیان ۹۶/۱۶)

حضرت رسول حسان بن ثابت انصاری شاعر و مداح رسول را بر هجو کفار امر می فرموده است.

۲۶- ص ۲۲۵- لاتنجنی شمالک علی یمینک (یمینک علی شمالک) (جزایری ۳۰۵/۲؛ حویری ۷۸۶/۱)

حضرت خطاب به خشخاش بن حباب صحابی فرموده است.

۲۷- ص ۲۲۸- سلمان منا اهل البيت (حاکم نیشابوری ۶۹/۱۱؛ شبیبانی ۱۷۲/۵)

حدیث معروفی که رسول درباره سلمان صحابی ایراد کردند. حضرت رسول اکرم در سال اول هجرت سلمان را از یهودی خریداری کردند و ازاد نمودند. وی به درجه ای از اسلام رسید که یکی از صحابیان نامی پیغمبر گشت.

۲۸- ص ۲۴۰- لاقبل رفد المشرکین (هیثمی ۱۵۲/۴)

عیاض بن حماد دارمی صحابی، پیش از اسلام هدیه خدمت رسول خدا قبول نکرد و حدیث فوق را فرمود.

۲۹- ص ۲۴۰- انت سید اهل الوبر (هیثمی ۱۰۷/۳؛ حاکم ۷۰۸/۳)

درباره قیس بن عاصم بن خالد المنقری التمیمی صحابی که بعد از فتح مکه مسلمان شد فرموده است.



۳۳- ص ۶۶۱- من تشبه بقوم فهو منهم (سنن ابی داوود ۴/۴۴؛ ابن ابی شیبه ۶/۴۷۰).

شیخ ابوالقاسم گرگانی که معاصر سلطان محمود غزنوی بود. نگذاشت جنازه فردوسی را در گورستان مسلمانان دفن کنند و گفت که او ستایشگر کافران و گبران بود و پیغمبر فرموده بود (حدیث مذکور) «همان شب فردوسی را در خواب دید حله های روحانیان پوشیده بود به تعجب شد، او را گفت خدای تعالی بر من رحمت کرد و فرمود اگر مردود گرگانی گشتی مقبول منی بدین یک بیت که در توحید گفتنی: جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه ای هر چه هستی توی. به قول اصح اینست: بنام خداوند جان و خرد- کزین برتر اندیشه برنگذرد.

۳۴- ص ۷۸۷- سلمان الاسلام و سلمان الخیر (ابن عبدالبر ۳۰/۹۷؛ طیبسی ۱/۹۱).

درباره سلمان فارسی است که در فتح قزوین همراه براء بن عازب فاتح قزوین بود. عنوان بالا را حضرت رسول اکرم به سلمان عطا فرموده بودند.

۳۵- ص ۸۱۲- السیف محاذ الذنوب (ابن حجر ۱/۶۸).

حمدالله درباره نیای بزرگش امین الدین نصر بن عزالدین گفته است «که در پیروی از شغل استیفا توبه کرد و به حج رفت و روزی از شیخ نورالدین گیل رحمه الله علیه پرسید چون در جوانی عمل پیشه بودم و مردم به رشوت مرا چیزها دادند... شیخ گفت غزا کن مگر شهید گردی و به برکت آن خدای تعالی خصمان ترا خشنود گرداند چه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است (حدیث مزکور) او از این سخن متألم گشت اتفاقاً در خانه خود با عصا با مغولان غزا کرد تا او را به درجه شهادت رسانیدند







همو، سنن کبری، دارالفکر، بیروت، (بی تا).

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، شعب الایمان، به کوشش محمدالسعید بسیون،  
بیروت، ۱۴۱۰ق.

جزایری، نعمت الله نورالبراهین، قم ۱۴۱۷ق.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی  
عبدالقادر عطاء، بیروت، ۱۴۱۱ق.

حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، قم، ۱۴۱۲ق.

خلال، احمد بن محمد، السنه الخلال، به کوشش عطیه الزهرانی، ریاض، ۱۴۱۰ق.  
دشتی، حسن، مصارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، موسسه فرهنگی  
ارایه، چاپ سوم، ج ۴ ذیل حرف ح، تهران، ۱۳۷۹.

رافعی قزوینی، عبدالکریم، التدوین فی اخبار قزوین، به کوشش عطاری، تهران،  
۱۴۱۸ق.

زرعی، محمد بن ابی بکر، حاشیه ابن القیم، بیروت، ۱۴۱۵ق.

زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

زرقالی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقالی، بیروت ۱۴۱۱ق.

سیوطی، عبدالرحمن، الجامع الصغیر، به کوشش محمد عبدالرووف، جده، دار طائر  
العلم، (بی تا).

شیبانی، احمد بن عمرو، الاحاد و المثانی، به کوشش باسّم فیصل احمد الجواهره،  
ریاض ۱۴۱۱ق.

صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، دانشگاه تهران، ج سوم، بخش دوم، چاپ  
دوم، ۱۳۵۵.

صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، امیرکبیر چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

طیالسی، سلیمان ابن داوود، مسند الطیاسی، بیروت دار المعرفه (بی تا).  
 فروزانفر، بدیع الزمان، تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام، وزارت فرهنگ و ارشاد  
 اسلامی، ۱۳۸۳.

فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، مشهد، چاپ سوم، ۱۳۳۹.  
 قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر، به کوشش احمد بن عبدالعلیم الرودنی، قاهره،  
 ۱۳۷۲ ق.

کندری، احمد بن ابی بکر، مصباح الزجاجة، به کوشش محمد منتقی کشناوی،  
 بیروت ۱۴۰۳ ق.

لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام، به کوشش اکبر اسید عزیزاده، قم، ۱۴۲۵ ق.  
 مبارک نوری، محمد، تحفه الاحوذی، بیروت، دارالکتب العلمیه، (بی تا).  
 مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

محاملی، حسین بن اسماعیل، امالی المحاملی، به کوشش ابراهیم القیسی، عمان،  
 ۱۴۱۲ ق.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، چاپ  
 سوم، ۱۳۶۴.

مستوفی، حمدالله ظفرنامه، تصحیح مهدی مدائنی، پژوهشگاه علم انسانی و  
 مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.

مستوفی، حمدالله، نزه القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، حدیث امروز،  
 قزوین، ۱۳۸.

مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح، به کوشش محمدفواد عبدالباقی، بیروت،  
 داراحیاء التراث العربی (بی تا)

نجم رازی، تصحیح دکتر محمدامین ریاحی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ

اول، ۱۳۵۲.

مناوی، عبدالرووف، فیض القدیر، قاهره، ۱۳۵۶ ق.

مندری، عبدالعظیم، الترغیب و الترہیب، به کوشش ابراہیم شمس الدین، بیروت

۱۴۱۷ق.

عیثمی، علی اکبر ابی بکر، مجمع الزوائد، قاهره، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

ہمو، موارد الضمان، به کوشش محمد عبدالرزاق حمزہ، بیروت، دارالکتب العلمیہ،

(بی تا).

